



ایمیل صفحه آخر: safhehakhir@shahrvand-newspaper.ir

تقویم تاریخ

Table with 3 columns: Roshd (روزگاز), Toloo (طلوع), and Ghروب (غروب). It lists various events and dates for the month of Mehr.



قاب کوچک



۹۴ سال پیش، برابر با نوزدهم می ۱۹۲۵ میلادی، پل بوت، رهبر کمپونج و بنیانگذار جنبش خمرهای سرخ به دنیا آمد. پل بوت به عنوان یک مانویست، مانند بسیاری دیگر از رهبران کمونیست جهان فرانت شخصی خود را از مسیر سعادت ملت هاداشت که این فرانت به قیمت مرگ و میلیون نفر از جمعیت، میلیون نفری کمپونج در طول ۴ سال زمامداری خمرهای سرخ بر این کشور تمام شد. حکومت خمرهای سرخ عاقبت در سال ۱۹۷۹ با خلع از تش ویتنام سرنگون شد.

روایت

خیام و سه یار دبستانی

روز بزرگداشت حکیم عمر خیام نیشابوری فیلسوف، ریاضدان، ستاره شناس و رباعی سرسرای ایرانی را پشت سر گذاشتیم. گرچه پایگاه علمی خیام بسیار برتر از جایگاه ادبی او است ولی آوازه او بیشتر به واسطه نگارش رباعیاتش است که شهرت جهانی دارد. خیام زاده ۲۸ اردیبهشت ۴۲۷ خورشیدی در نیشابور است و از همین رو این تاریخ در تقویم روز خیام نامگذاری شده است. رباعیات خیام را به اغلب زبان های زنده ترجمه کرده اند و ادوارد فیتز جerald با برگردان رباعیات او به زبان انگلیسی مایه شهرت بیشتری در مغرب زمین شد. با این کار رباعیات خیام در دسترس جهانیان قرار گرفت و نام او را در دنیای چهار شاعر بزرگ جهان یعنی هومر، شکسپیر، دانته و گوته قرار داد. یکی از برجسته ترین کارهای خیام را می توان اصلاح گاشتماری ایران در زمان وزارت خواجه نظام الملک در دوره سلطنت ملک شاه سلجوقی به شمار آورد. او در ریاضیات، علوم ادبی، دینی و تاریخی استاد بود و نقشی در حل معادلات درجه سوم و مطالعاتش درباره اصل پنجم اقلیدس نام خیام را به عنوان ریاضیدانی برجسته در تاریخ علم ثبت کرده است. شماری از تذکر نویسندگان، خیام را شاگرد ابن سینا و شماری نیز او را شاگرد امام موفقی نیشابوری خوانده اند. البته صحت این فرضیه که خیام شاگرد ابن سینا بوده است، بسیار بعید می نماید چون از لحاظ زمانی با هم

فوکوس

۱۲۸ سال پیش، برابر با نوزدهم می ۱۸۹۰ میلادی، هوشی مین، سیاستمدار ویتنامی و اولین رئیس جمهور جمهوری دموکراتیک ویتنام در قصبه هوانگ ترو به دنیا آمد. نام هوشی مین در دانشنامه های سیاسی جهان با مقاومت در برابر استعمارگران فرانسوی و اشغالگران آمریکایی جین شده است. او یک تنه با بیسج نیروهای مردمی، طی سال ها مقاومت توانست استقلال ویتنام را برای مردم این کشور تضمین کند؛ هر چند که عمرش کفاف نداد تا این مهم و اتحاد ویتنام شمالی و جنوبی را به چشم ببیند. از او چنین نقل شده است: «ممکن است جنگ پنج ده بیست سال یا بیشتر به طول انجامد. ممکن است هوشی و هانفوک و بسیاری از شهرها و کارخانه ها نابود گرد، ولی خلق ویتنام هیچگاه منقرض نخواهد شد...». در یک دوره جنگ ویتنام، در ساعت ۴۷ و ۴ دقیقه صبح روز ۳۰ سپتامبر ۱۹۶۹، هوشی مین در سن ۷۹ سالگی در گذشت. بیش از ۲۲ هزار پیام و نامه تسلیت از ۱۲۱ کشور جهان و شخصیت های مهم به ویتنام ارسال شد.



تلاسه های بیداری

عشق های خنده دار «زندگی اما این گونه می گذرد انسان تصور می کند که در نمایشنامه ای معین نقش خود را ایفا می کند هیچ ظن نمی برد که در این نمایش آن که به او خیره به بندن صحنه را تغییر داده اند و او نمانده خود را وسط اجرایی متفاوت می یابد. بشر چشم بسته متحمل زمان حال می شود. فقط اجازه دارد آنچه را هم اکنون در حال تجربه کردن آن است، حس کند و حسش بزند. تازه بعد که رشته ها پنبه می شود، می تواند تگاهی به گذشته ببیند و آنچه را تجربه کرده و معنایی را که داشته است، دریابد. این اصلا به رضایت از زندگی ربطی ندارد. به هر صورت انسان فقط به خاطر خودش در دنیا نیست. همیشه به خاطر چیزی زندگی می کند، نیاید هرگز اجازه دهد هجوم هیجان ناشی از احساسات گمراهش کند». بخشی از داستان «هیچ کس نخواهد خندید» از مجموعه «عشق های خنده دار» میان کوندرا داستان هایی که محورشان «عشق» است به معنای غالب امروزی و برخلاف نام کتاب قرار نیست خنده دار باشد، خنده دار که هیچ اصلا قرار نیست حتی لبخندی بر لب شما بنشانند؛ فاجعه هایی در روابط عاطفی انسان معاصر که در چهار کتاب «عشق های خنده دار» به مخاطب عرضه می شود. کوندرا در «عشق های خنده دار» قهرمانش را می کلود، پوست می کند، تحلیل می کند و عریان در برابر خواننده قرار می دهد و این کار را با شفقت و مهربانی و بی هیچ داوری به انجام می رساند. میان کوندرا، نویسنده اهل چک است که از سال ۱۹۷۵ به فرانسه تبعید شد و نهایتاً در سال ۱۹۸۱ به تابعیت فرانسه درآمد. کوندرا به صف های انسان محکوم به زیستن در جامعه فاقد آزادی به دیده ترحم می نگرد. حضور گاه و بیگاه او در داستان ها، نه فقط به عنوان راوی، بلکه به عنوان نویسنده، شاید در نگاه نخست برخوردی بی رحمانه با شخصیت ها و مخاطب به نظر بیاید، اما این حضور - تئوری پردازی ها - گاه به دل می نشیند؛ همان گونه که در دل داستان نشستگان است.

حرف روز

زنان و الگوشدگی آنان برای یکدیگر

می آموزند و همه آنها می خواهند عزیزان خود شوند. گفتم می شوند ختمه می شوند... ۲- تیم فوتسال زنان ایران برای دومین دوره پیاپی قهرمان آسیا شدند. این دوره خانم های فوتبالیست کشورمان هم بیش از دوره پیش درخشیدند و گل کاشتند و هم با قهرمانی شان بر فضای سیاسی- اجتماعی و البته رسانه ای - که دیگر پیوند محکمی با دوقضای دیگر یافته - اثر بسیار زیادی گذاشتند. گرچه بخش نشدن بازی فینال و سال ها بگو و مگو و اختلاف بر سر حضور ورزش زنان و در فضای شدت سیاسی شده کشور بازتاب این «رویداد شیرین ملی» را اجتناب ناپذیر کرد اما یکبار دیگر نشان داد که گسترش رسانه ها در جهان امروز انحصار خبر را شکسته و رسانه هایی که نخواهند یا نتوانند خود را بیاورند رو به گسترش کنونی هماهنگ کننده به سرعت از چشم دل شهربندان خواهند افتاد و آن می شود که امروز بر سر رسانه های رسمی کشور آمده است. همین چیزگی رسانه های شخصی شده و اثر آنها بر همه بخش های جامعه بود که زمینه استقبال پرشورتر از دوره پیش از «ملکه های فوتسال آسیا» را فراهم کرد و برخلاف دوره پیشین دست اندران و چهره های بیشتری از وزارت ورزش، فدراسیون فوتبال، مجلس شورای شهر تهران و البته خبرنگاران خیلی بیشتری را به فرودگاه کشاند. در این دوره «خانم گلی» مسابقه ها به طور مشترک به دو

حرف روز

محمدرضا نیک نژاد

۱- چند ماهی بود که از جلوی باشگاه ورزشی زنان محله مان رد می شدم، دختران قد و نیم قد با مادرانشان را می دیدم که با لباس های تکواندو و با شور و شوق وارد باشگاه می شدند. گرچه این رفت و آمدها چندین عجیب نبود اما ذهنم درگیر این بود که چرا پیش از این کمتر چنین رفت و آمدی را دیده بودم یا آن که چنان کم بود که به چشم نمی آمده بود این پرسش در ذهنم بود تا این که روزی به خود جرأت دادم و از یک مادر و دختر پرسیدم که از کی ورزش تکواندو در این باشگاه راه افتاده است؟ نمی دانیم، پاسخ مادر و دختر کوچولوش بود اما مادر ادامه داد که ما چند ماهی است که در باشگاه و در رشته تکواندو نام نویسی کرده ایم و دخترم از این ورزش را حتی از خیلی شان و برابری به دختر کوچولو نگاه کردم و گفتم: امیدوارم قهرمان شوی. گفت: من می خواهم مانند «کیما» قهرمان المپیک شوم. کمی سردم پرسیدم «کیما» که مادرش گفت «کیما علیزاده» امی گویند و با خنده ادامه داد نزدیک ۳۰ دختر در این باشگاه ورزشی تکواندو

حجت الاسلام والمسلمین سید مهدی طباطبایی در ۸۲ سالگی درگذشت

آخرین درس استاد اخلاق

در برخی برنامه های مناسبی صدا و سیما دنبال می کردند و شاید بتوان گفت از میان روحانیونی که در تلویزیون آمد و رفتی دارند، سید مهدی جزو معدود معمم هایی بود که لحن و محتوای سخنش از سوی مخاطبان جمعه جلوبی با رغبت خریداری می شد. سبقه و سابقه سیاسی او به جامعه روحانیت مبارز برمی گشت هر چند در این وادی نیز چندان وارد نبوده و از سوی طرف و سیاسی از تشکل متبوعش نبود و هر آنچه را درست می انگاشت بر زبان می آورد و به عمل می بست نمونه اش دفاع تمام قد او از مرحوم آیت الله هاشمی رفسنجانی بود آن هم در دورانی که موبین هاشمی از سوی دوستان و همسران سابق محسوب شمرده می شد. حتی در دورانی که دفاع بی قید و شرط از رئیس دولت های نهم و دهم به رغم خسارت ها و آسیب های وارده از سوی او و دوستانش به نظام و انقلاب، بنا بر مصلحت های سیاسی واجب تلقی می شد، سید اخلاق دان بی اعتنا به سیاست بازی ها ز گفتن حرف حق با نومی کرد کما اینکه در آخرین شب ماه سفر سال ۹۰ خورشیدی با اشاره به مشکلات اقتصادی در کشور گفت: «دولت باید از

یاد